

# تحلیل مضمون محتوای «مردم» در اندیشه سیاسی امام خمینی

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۲۸

تاریخ تأیید: ۹۵/۱۱/۹

رقیه جاویدی \*

غلامرضا بهروزی لک \*\*



تحلیل مضمون محتوای «مردم» در اندیشه سیاسی امام خمینی

موضوع مقاله حاضر، تحلیل مضمون محتوای مردم در اندیشه سیاسی امام خمینی است. ایده مردم در اندیشه و نظریه ایشان، ایده‌ای مهم و کلیدی است. اینکه از نظر امام، منظور از مردم چیست و چه مفهومی از آن در نظام سیاسی به کار برده شده است، نیازمند بررسی و پژوهش است. در این مقاله، چستی دال «مردم» در اندیشه سیاسی ایشان، با روش کیفی تحلیل مضمون و به کارگیری نرم افزار MAXQDA بررسی شده است. با توجه به بررسی سخنان امام خمینی درباره ویژگی‌های مردم، حقوق ملت، جایگاه و نقش ملت در نظام اسلامی و شاخص‌های ملت در نظام اسلامی می‌توان نتیجه گرفت که ایشان در فرایند سیاسی و اجتماعی و نیز صحنه‌های مشارکتی و جمعی، افراد را به مثابه یک کل در نظر گرفته و آنها را با واژه «ملت» خطاب کرده‌اند. در همین راستا، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی برای «ملت» در نظام اسلامی، جایگاه والایی قائل بود و سخن معروف ایشان که «میزان رأی ملت است»، تأیید این مطلب است و به ملتی اشاره دارد که به آگاهی سیاسی، بصیرت و بیش از اجتماعی دست یافته است و با قرار گرفتن در فرایند سیاسی - اجتماعی، اقدام به عمل مشارکتی - جمعی می‌کند. از نظر ایشان، رأی و نظر چنین ملتی برای نظام اسلامی، میزان و معیار عمل و تصمیم‌گیری است.

**کلیدواژگان:** امام خمینی، اندیشه سیاسی، مردم، ملت، تحلیل مضمون.

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (Roghayeh\_javidi@yahoo.com).

\*\* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (behroozlak@gmail.com).



## ۱. مقدمه

امام خمینی در مقام بنیان‌گذار و نظریه‌پرداز نظام جمهوری اسلامی، در اندیشه سیاسی خود بر مبنای اسلامیت و مکتب شیعی، جهت‌گیری‌ها و رویکردهای ویژه‌ای را از نظر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داشته‌اند که برگرفته از بطن دین مبین اسلام است و از این نظر، پیوندی عمیق و جدانشدنی بین دین و سیاست پایه‌ریزی کردند. ایشان در ترسیم و پایه‌گذاری نظام سیاسی اسلامی، به مردم نقش، جایگاه و کارکرد ویژه، خاص و بنیادی داده‌اند؛ به‌گونه‌ای که رأی و نظر مردم را میزان نظام اسلامی قرار داده‌اند. در پژوهش حاضر، بررسی می‌شود که منظور امام خمینی از این مردم که اصل و اساس نظام هستند، چه طیفی است؟ و چه جایگاه، شاخص‌ها و ویژگی‌هایی دارند؟

درباره اندیشه امام خمینی یا نقش و جایگاه مردم، بحث و بررسی‌های فراوانی صورت گرفته است؛ مانند *اندیشه سیاسی امام خمینی اثر محمدحسین جمشیدی؛ امت و ملت در اندیشه امام خمینی اثر علی محمد بابایی زارچ؛ جایگاه مردم در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی اثر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛ نقش مردم در حکومت دینی از دیدگاه امام خمینی اثر معاونت پژوهش‌های حقوقی؛ مبانی فقهی نظارت شهروندان بر حاکمان با تأکید بر نظر امام خمینی اثر قاسم جعفری؛ امام خمینی و هویت ملی اثر یحیی فوزی تویسرکانی؛ امام خمینی: ولایت فقیهان و مشارکت مردم اثر غلامحسن مقیمی؛ دموکراسی متدینان یا مردم‌سالاری دینی اثر مصطفی کواکبیان؛ نقش و جایگاه مردم در اندیشه سیاسی اسلام و امام خمینی اثر سید ابوالفضل موسویان. اما درباره اینکه مفهوم مردم در اندیشه امام خمینی به چه معنایی به کار رفته است و ابعاد این مفهوم چه گستره‌ای از مردم را دربرمی‌گیرد، کتاب یا مقاله‌ای وجود ندارد. همچنین این پژوهش از نظر روش بحث تحلیل مضمون و به‌کارگیری نرم‌افزار MAXQDA<sup>۱</sup> در گردآوری داده‌ها و دستیابی به یافته‌ها، در حوزه علوم سیاسی بدیع و جدید است.*

## ۲. مسئله پژوهش

پرسش اصلی پژوهش حاضر، چیستی دال «مردم» در اندیشه سیاسی امام خمینی است.

۱. نرم‌افزار Maxqda یکی از برترین نرم‌افزارهای مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی و نظریه‌پردازی است.



در این پژوهش، بیانات امام خمینی، شامل سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، پیام‌ها و کتاب‌های ایشان، شامل تفسیر سوره حمد، شرح حدیث جنود عقل و جهل، چهل حدیث و اربعین، متن اصلی برای استخراج مفاهیم و مقولات به شمار می‌آید. با استفاده از تکنیک تلخیص در تحلیل محتوا، ابتدا مطالب مرتبط با موضوع، شناسایی و استخراج گردید و سپس با به‌کارگیری نرم‌افزار MAXQDA متن‌ها در آنجا فراخوانده شد و با توجه به مفهوم برداشت‌شده از متن‌ها، کدگذاری اولیه صورت پذیرفت. پس از کدگذاری اولیه، همه متن‌های انتخاب‌شده در نرم‌افزار یادشده، با توجه به مطالعات شخصی نویسنده در زمینه موضوع پژوهش، مفاهیم به‌دست‌آمده، دسته‌بندی و کدگذاری محوری و انتخابی شد و رابطه ارگانیک مفاهیم با یکدیگر، ارتباطات مفاهیم با همدیگر و با مفاهیم دیگر مورد توجه قرار گرفت. در نهایت، ارتباط بین مقولات فرعی و اصلی مشخص و داده‌ها تفسیر و تحلیل شدند. تحقیق حاضر با استفاده از روش پیش‌گفته با همه دشواری‌های آن، سبب شد تأثیر دیدگاه‌های شخصی محقق در نتایج و یافته‌های پژوهش به حداقل برسد.

### ۳. روش‌شناسی بحث

روش این مقاله، روش کیفی از نوع تحلیل مضمون (Thematic Analysis) است. تحقیقات کیفی در علوم اجتماعی رشد چشمگیری دارد. برای دستیابی به نتایج مفید و بامعنا در تحقیقات کیفی، لازم است داده‌ها به‌صورت روشمند تحلیل شود و این امر، تنها با ثبت نظام‌مند و تبیین روش‌های تحلیل و استفاده از ابزارهای کارآمد امکان‌پذیر است. این روش، جزء تحقیقات کیفی و روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۴-۱۵۵) و نیز فرایند یا ابزاری برای تحلیل داده‌های متنی است؛ به این صورت که داده‌های پراکنده و گوناگون را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. انعطاف‌پذیری این روش، ویژگی بسیار مهم و کلیدی آن است (براون و کلارک، ۲۰۰۶م، ص ۷۸-۸۰) و می‌توان به‌خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی از آن بهره برد.

ابزارهای این روش، تحلیل قالب مضامین و تحلیل شبکه مضامین است که معمولاً در تحلیل مضمون به‌کار می‌روند. قالب مضامین، فهرستی از مضامین را به‌صورت



سلسله‌مراتبی بازگو می‌کند. شبکه مضامین نیز ارتباط میان مضامین را در نگاره‌هایی شبیه تارنما نشان می‌دهد (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۱).

این روش، در تحقیقات کیفی از سوی ریچارد بویاتزیس در سال ۱۹۹۸ در کتاب *تبدیل اطلاعات کیفی و تحلیل مضمون و تدوین کد* به‌طور کامل ارائه و معرفی شده است. کاربرد این روش به‌طور خلاصه عبارت است از: ۱. شناسایی (دیدن متن)؛ ۲. نمونه‌برداری (برداشت مناسب از داده‌های ظاهراً نامرتبط)؛ ۳. دسته‌بندی و پوسته پوسته کردن (مشاهده نظام‌مند شخص، گروه، موقعیت، سازمان، فرهنگ یا متن)؛ ۴. اطمینان و اعتبار بخشیدن (تبدیل داده‌های کیفی به کمی) (بویاتزیس، ۱۹۹۸، ص ۳-۴).

یکی از مهم‌ترین، حساس‌ترین و دشوارترین کارها در این‌گونه تحقیقات کیفی، شناخت مضمون یا تم است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت شناسایی مضمون یا تم، قلب تحلیل مضمون است. عوامل مؤثر بر شناخت مضمون عبارت‌اند از: ۱. شعور متعارف؛ ۲. ارزش‌های محقق؛ ۳. جهت‌گیری‌ها و پرسش‌های تحقیق؛ ۴. تجربه محقق در موضوع (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۶۱). البته عموماً اصطلاحات، مفاهیم و مقولاتی را که محقق می‌یابد، منعکس‌کننده آن چیزی است که در داده‌ها مشاهده کرده است. این مضامین ویژگی تکرار شونده‌گی و متمایز بودن را دارند. پس تحلیل مضمون به معیار کمی بستگی ندارد، بلکه به پرسش‌های تحقیق وابسته است (براون و کلارک، ۲۰۰۶، ص ۸۶). البته همیشه این محقق است که تصمیم می‌گیرد به چه مطالب و داده‌هایی توجه کند و به کدامیک توجه نکند. بنابراین، مهارت و اطلاعات محقق، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در این روش دارد.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت تحلیل مضمون، از جمله روش‌های غیرواکنشی و غیرمداخله‌ای است که مهم‌ترین کار آن، مقوله‌بندی مفاهیم است (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵، ص ۹۱) و سه ویژگی مهم و اساسی دارد: فراگیری، طرد متقابل و استقلال (همان، ص ۱۱۲). مراحل این روش، با سه تکنیک تلخیص، تحلیل تفسیری و تحلیل ساختاربخش انجام می‌گیرد (فلیک، ۱۳۸۷، ص ۳۴۸-۳۴۹). ما در این پژوهش برای مرحله تخلیص از نرم‌افزار MAXQDA بهره برده‌ایم و تم‌های اولیه خود را از کتاب‌ها و سخنان امام خمینی استخراج کرده‌ایم و یک قالب مضامین دویست تمی را ساختار داده‌ایم. سپس این تم‌های اولیه را در شبکه مضامین به هم ارتباط دادیم و شانزده تم فرعی، پنج تم اصلی و یک تم مرکزی به‌دست آوردیم و براین اساس، ساختار مقاله را صورت‌بندی کردیم.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

##### الف) تحلیل دالّ مردم و واژگان مرتبط

امام خمینی برای واژه «مردم» عبارات مختلفی به کار برده‌اند که با جست‌وجو در کتاب‌ها، سخنان و پیام‌های ایشان بیشترین واژه‌هایی که گستره حقیقت مردم را دربرمی‌گیرد با توجه به فراوانی به کار رفتن آنها، عبارت‌اند از: مردم (۹۳۹۴ بار)، مردم مسلمان (۵۸ بار)، مردم مسلمان ایران (۱۵ بار)، ملت (۱۵۷۳۶ بار)، ملت ایران (۱۱۸۳ بار)، ملت مسلمان (۱۴۵ بار)، ملت مسلمان ایران (۳۸ بار).

در ابتدای کار با استفاده از نرم‌افزار نور که حاوی سخنان و کتاب‌های امام خمینی است، واژه‌های بالا را جست‌وجو کرده، به‌طور تصادفی حدود پانصد مورد انتخاب شد. سپس با به‌کارگیری نرم‌افزار MAXQDA، سندهای حاوی موارد انتخابی فراخوان و عملیات کدگذاری اولیه روی آنها صورت گرفت. طی این عملیات، حدود دویست تم یا مضمون به‌دست آمد. نمونه‌ای از تم‌های به‌دست آمده پژوهش عبارت است از: نیروی ملت سبب پیروزی نظام؛ انقلابی بودن همه مردم ایران؛ وقوع انقلاب ایران توسط ملت مسلمان، نه قدرتمندان؛ انسان‌های باثبات و طمأنینه به‌مثابه ملت واحده؛ حزب ملت مسلمان ایران به‌مثابه حزب اسلام و حزب الله؛ اتکال ملت به خدا در برابر قدرتمندان؛ مشارکت مردم در انتخابات مجلس؛ ضرورت پشتیبانی ملت و مردم از مسئولان؛ وحدت داشتن ملت مسلمان ایران؛ پیروزی انقلاب در نتیجه وحدت و پشتیبانی مردم؛ بیداری ملت در برابر دشمنان؛ هشیاری و بیداری مردم عامل پیروزی انقلاب؛ بیداری و هشیاری ملت در برابر توطئه‌ها؛ واجب بودن نظارت همگانی ملت در امور کشور؛ لزوم نظارت و دقت مردم در امور کشور؛ انتخاب اصلح داشتن ملت در انتخابات؛ مبارزه برای اسلام وظیفه ملت؛ پشتیبانی و حمایت مسئولان از ملت؛ سیاست الهی سبب هدایت ملت‌ها؛ قرار داشتن رهبر و مسئولان در طیف ملت؛ قرار داشتن همه اصناف و مردم جزء طیف ملت ایران؛ دو طایفه مردم: اصحاب سعادت و کمالات و ارباب شقاوت و نقایص؛ گوناگونی مردم در حفظ حضور حق و غیره.

در مرحله بعد، تم‌های اولیه به هم مرتبط شد و شبکه مضامینی با شانزده تم فرعی به‌دست آمد که عبارت است از: انواع مردم در برابر پذیرش حق؛ علل مخالفت مردم با رژیم پهلوی؛ ملت مقاوم و بااستقامت؛ مردم باایمان و باخدا؛ ملت حاضر و همیشه در صحنه؛ ملت همگام و متحد؛ ملت آگاه، هوشیار و با بصیرت؛ ملت ناظر و ناظم؛ وظایف





ملت در برابر نظام؛ وظایف نظام در برابر ملت؛ ملت نمونه؛ انواع طیف مردم از لحاظ سیاسی - اجتماعی؛ اصل و اساس بودن ملت در نظام اسلامی؛ خواسته‌های ملت ایران؛ حقوق ملت در نظام اسلامی؛ ملت کشورهای دیگر.

سپس این تم‌های فرعی در دسته بزرگ‌تر و کلی‌تر قرار داده شد و پنج تم اصلی به دست آمد که عبارت است از: مردم و ویژگی‌های آنان؛ حقوق ملت و توقعات آنان از نظام اسلامی؛ جایگاه و نقش ملت در نظام اسلامی؛ وظایف و تکالیف ملت در نظام اسلامی؛ شاخص‌های ملت در نظام اسلامی. در نهایت و در پایان کار، با توجه به قالب مضامین و نیز شبکه مضامین، به یک تم مرکزی دوبخشی دست یافتیم: «افراد به مثابه کل مساوی با ملت؛ افراد به مثابه جزء مساوی با مردم».

نکته قابل بیان اینکه، ملاک و معیار برگزیدن این تم مرکزی، محتوای برداشت‌شده از قالب مضامین و شبکه مضامین است. همچنین ملاک کدگذاری ما در هر مرحله و نام‌گذاری تم‌ها، بر اساس مضمون برداشت‌شده از محتوای متن و ابتکار و اطلاعات علمی نویسنده بود.

در جدول زیر، قالب مضامین پژوهش خواهد آمد. از حدود دویست تم به دست آمده، به دلیل محدودیت مقاله تنها ۲۴ تم برای نمونه انتخاب و ارائه شده است.

ردیف	سند	قالب مضامین	متن اصلی	ارجاعات
۱	۳	افراد به مثابه کل؛ ملت/شاخص‌ها و ویژگی‌های ملت در نظام/مردم با ایمان و باخدا/انسان‌های باثبات و طمأنینه به مثابه ملت واحد.	انسان باثبات و طمأنینه نفس، خود یک ملت واحد است.	(امام خمینی، ۱۳۷۷، ص ۳۶۱)
۲	۳	افراد به مثابه کل؛ ملت/وظایف و تکالیف ملت در نظام/وظایف ملت در برابر نظام/حفظ و نشر حکومت اسلامی به عنوان امانت الهی	امروز بر ملت ایران خصوصاً و بر جمیع مسلمانان عموماً واجب است این امانت الهی را که در ایران به طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورده با تمام توان حفظ نموده.	(امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۱، ص ۱۷۶، ۱۳۶۸/۰۳/۱۵)



۳	م.ز.	افراد به‌مثابه کل: ملت/شاخص‌ها و ویژگی‌های ملت در نظام/ملت آگاه، هوشیار و بایصیرت/توطئه دشمنان برای مایوس کردن ملت از اسلام	(امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۱، ص ۱۷۷، ۱۳۶۸/۰۳/۱۵)
۴	م.ز.	افراد به‌مثابه کل: ملت/شاخص‌ها و ویژگی‌ها ملت در نظام/ملت آگاه، هوشیار و بایصیرت/بیداری و هشیاری ملت در برابر توطئه‌ها	(امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۱، ص ۱۷۸، ۱۳۶۸/۰۳/۱۵)
۵	م.ز.	افراد به‌مثابه کل: ملت/وظایف و تکالیف ملت در نظام/وظایف ملت در برابر نظام/انتخاب اصلح داشتن ملت در انتخابات	(امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۱، ص ۱۸۶، ۱۳۶۸/۰۳/۱۵)
۶	م.ز.	افراد به‌مثابه کل: ملت/وظایف و تکالیف ملت در نظام/وظایف ملت در برابر نظام/رای دادن ملت در انتخابات بر اساس ضوابط شرعی و قانونی	(امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۱، ص ۱۸۷، ۱۳۶۸/۰۳/۱۵)
۷	م.ز.	افراد به‌مثابه کل: ملت/وظایف و تکالیف ملت در نظام/وظایف نظام در برابر ملت/پشتیبانی و حمایت مستولان از ملت	(امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۱، ص ۱۹۰، ۱۳۶۸/۰۳/۱۵)
۸	م.ز.	افراد به‌مثابه کل: ملت/حقوق ملت و توقعات آنان از نظام/خواسته‌های ملت ایران/دستیابی به مکتب الوهیت به‌عنوان هدف ملت	(امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۱، ص ۲۰۳، ۱۳۶۸/۰۳/۱۵)



۹	ملت	افراد به‌مثابه کل: ملت/جایگاه و نقش ملت در نظام/اصل و اساس بودن ملت در نظام اسلامی/اصل بودن ملت در نظام ولایت فقیه	من در حکومت آینده نقش هدایت را دارم. غرب و شرق برای ما فرقی ندارد. اصل، منافع ملت ایران است که باید به بهترین وجه رعایت شود.	(امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۲، ص ۱۷۰، ۱۳۵۷/۱۰/۲۰)
۱۰	ملت	افراد به‌مثابه کل: ملت/جایگاه و نقش ملت در نظام/اصل و اساس بودن ملت در نظام اسلامی/اصل بودن ملت در نظام ولایت فقیه	نظارت بر قوانین البته به عهده روحانیون است و اتکا روحانیون هم به ملت است، نه به حزبی و من هم به ملت اتکا دارم و به حزبی وابسته نیست.	(امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۲، ص ۱۷۳، ۱۳۵۷/۱۰/۲۶)
۱۱	ملت	افراد به‌مثابه کل: ملت/شاخص‌ها و ویژگی‌ها ملت در نظام/مردم با ایمان و با خدا/اتکال ملت به خدا در برابر قدرتمندان	من از ملت خودم و از همه شما و از همه ملت‌های مسلم می‌خواهم که... در همه کارها اتکال به خدا بکنید، قدرت‌ها در مقابل قدرت خدا هیچ است.	(امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۲، ص ۱۹۷، ۱۳۵۷/۱۲/۰۵)
۱۲	ملت	افراد به‌مثابه کل: ملت/وظایف و تکالیف ملت در نظام/وظایف نظام در برابر ملت/سیاست الهی سبب هدایت ملت‌ها	سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه در نظر بگیرد.	(امام خمینی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۷)
۱۳	ملت مسلمان	افراد به‌مثابه کل: ملت/حقوق ملت و توقعات آنان از نظام/خواسته‌های ملت ایران/ضرورت انقلاب فرهنگی، خواست ملت مسلمان	مدتی است ضرورت انقلاب فرهنگی که امری اسلامی است و خواست ملت مسلمان می‌باشد، اعلام شده است و تاکنون اقدام موثر اساسی انجام نشده است.	(امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۲، ص ۱۷۷، ۱۳۵۹/۰۳/۲۳)





۱۴	ملت مسلمان ایران	افراد به‌مثابه کل: ملت/حقوق ملت و توقعات آنان از نظام/خواسته‌های ملت ایران/ملت مسلمان ایران خواستار مکتب اسلام و حکومت اسلامی	(امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۴، ص ۷۰، ۱۳۵۷/۰۹/۲۳)
۱۵	مردم	افراد به‌مثابه کل: ملت/شاخص‌ها و ویژگی‌های ملت در نظام/ملت آگاه، هوشیار و بایصیرت/بیداری و آگاهی مردم سبب پیروزی انقلاب اسلامی	(امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۲، ص ۱۷۴، ۱۳۵۷/۱۰/۲۶)
۱۶	مردم	افراد به‌مثابه جزء: مردم/مردم و ویژگی‌های آنان/انواع مردم در برابر پذیرش حق/طایفه دوم مردم: بی‌خبران یا کم‌خبران از خدا	(امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۵۶۲)
۱۷	مردم	افراد به‌مثابه جزء: مردم/مردم و ویژگی‌های آنان/انواع مردم در برابر پذیرش حق/طایفه اول مردم: باخبران از خدا	(امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۵۶۱)
۱۸	مردم	افراد به‌مثابه جزء: مردم/مردم و ویژگی‌های آنان/انواع مردم در برابر پذیرش حق/گوناه‌گویی مردم در حفظ حضور حق	(امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۴۸۲)
۱۹	مردم	افراد به‌مثابه جزء: مردم/مردم و ویژگی‌های آنان/انواع مردم در برابر پذیرش حق/دو طایفه مردم: اصحاب سعادت و کمالات و ارباب شقاوت و نقایص	(امام خمینی، ۱۳۷۷، ص ۶۵)
۲۰	مردم	افراد به‌مثابه جزء: مردم/مردم و ویژگی‌های آنان/انواع مردم در برابر پذیرش حق/سه گروه از مردم در راه خدا: سالکان، واصلان و راجعان	(امام خمینی، ۱۳۷۵، ص ۶۵)



۲۱	مِلّت	افراد به‌مثابه کل: ملت / شاخص‌ها و ویژگی‌های ملت در نظام/ملت ناظر و ناظم/نظارت مردم بر اسلامی بودن امور کشور	همه ملت موظف‌اند که نظارت کنند بر این امور.. نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن.	(امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۷، ص ۳۳، ۱۳۵۸/۰۳/۰۹)
۲۲	مِلّت	افراد به‌مثابه کل: ملت / شاخص‌ها و ویژگی‌های ملت در نظام/ملت ناظر و ناظم/نظارت مردم بر اسلامی بودن امور کشور	همه ملت موظف‌اند به اینکه نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الان مربوط به اسلام است، اگر دیدند که یک کمیته خدای نخواستہ برخلاف مقررات اسلام دارد عمل می‌کند... اعتراض کنند.	(امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۷، ص ۳۴، ۱۳۵۸/۰۳/۰۹)
۲۳	مِلّت	افراد به‌مثابه کل: ملت / شاخص‌ها و ویژگی‌های ملت در نظام/ملت ناظر و ناظم/لزوم نظارت ملت بر دولت و مجلس برای جلوگیری از تباهی آنها	ملت اگر نظارت نکنند در امور دولت و مجلس و همه چیز اگر کنار بروند و بسپارند دست اینها و بروند مشغول کارهایشان بشوند، ممکن است یک وقت به تباهی بکشند... ملت باید ناظر باشد به اموری که در دولت می‌گذرد.	(امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۵، ص ۶۰، ۱۳۶۰/۰۴/۱۰)
۲۴	مِلّت	افراد به‌مثابه جزء: مردم/مردم و ویژگی‌های آنان/علل مخالفت مردم با رژیم پهلوی/مردمی نبودن رژیم پهلوی	چرا از مرگ یک عالم، عالم متشیخ می‌شود، ولی از شکست دولت مردم چراغان می‌کنند؟ دولت باید طوری باشد که اگر شکست خورد، مردم عزا بگیرند و برای حفظش قیام کنند.	(امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۸، ۱۳۴۱/۰۹/۱۱)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در ستون قالب مضامین، تم‌ها از کل به جزء نمایش داده شده است. مضمون اول، تم مرکزی دوبرخشی مقاله است. مضمون دوم، تم‌های اصلی، مضمون سوم، تم‌های فرعی و مضمون آخر، تم‌های اولیه پژوهش را دربرمی‌گیرد.

در ادامه، ماتریس فراوانی شبکه مضامین پژوهش نمایش داده شده است.

Code System									
-	ملت: افراد به مثابه کل								
+	ملت کشورهای دیگر	2						1	
-	شاخص ها و ویژگی های ملت در نظام								
+	ملت مقاوم و بااستقامت	2	3	2	1			5	
+	ملت با ایمان و با خدا	2	1	1	1			2	
+	ملت حاضر و همیشه در صحنه	1		1	1			1	
+	ملت همگام و متحد			2	1			1	
+	ملت آگاه، هوشیار و با بصیرت	1	6					6	3
+	ملت ناظر و ناظم	12							
-	وظایف و تکالیف ملت در نظام								
+	وظایف ملت در برابر نظام	5	4	2	2				
+	وظایف نظام در برابر ملت	4	4		1			4	
-	جایگاه و نقش ملت در نظام								
+	ملت نمونه						1	1	
+	انواع طیف مردم از لحاظ سیاسی-اجتماعی	1					3	4	
+	اصل و اساس بودن ملت در نظام اسلامی	2	8	6	7			16	5
-	حقوق ملت و توقعات آنان از نظام								
+	خواسته های ملت ایران	3	2	1	2			2	
+	حقوق ملت در نظام اسلامی	3	1					6	
-	مردم: افراد به مثابه جزء								
-	مردم و ویژگی های آنان								
+	علل مخالفت مردم با رژیم پهلوی						1	12	
+	انواع مردم در برابر پذیرش حق								7

Code System									
-	ملت: افراد به مثابه کل								
+	ملت کشورهای دیگر								
-	شاخص ها و ویژگی های ملت در نظام								
+	ملت مقاوم و بااستقامت								
+	ملت با ایمان و با خدا								
+	ملت حاضر و همیشه در صحنه								
+	ملت همگام و متحد								
+	ملت آگاه، هوشیار و با بصیرت								
+	ملت ناظر و ناظم								
-	وظایف و تکالیف ملت در نظام								
+	وظایف ملت در برابر نظام								
+	وظایف نظام در برابر ملت								
-	جایگاه و نقش ملت در نظام								
+	ملت نمونه								
+	انواع طیف مردم از لحاظ سیاسی-اجتماعی								
+	اصل و اساس بودن ملت در نظام اسلامی								
-	حقوق ملت و توقعات آنان از نظام								
+	خواسته های ملت ایران								
+	حقوق ملت در نظام اسلامی								
-	مردم: افراد به مثابه جزء								
-	مردم و ویژگی های آنان								
+	علل مخالفت مردم با رژیم پهلوی								
+	انواع مردم در برابر پذیرش حق								



در تحلیل شبکه مضامین پژوهش می‌توان گفت هرگاه افراد در فرایند و جریان سیاسی یا عمل سیاسی یا در هرم نظام و حکومت سیاسی اسلامی و یا در اجتماع و کار جمعی قرار گرفته‌اند، امام خمینی آنها را با واژه «ملت»، «ملت ایران»، «ملت مسلمان ایران» یا «ملت مسلمان» خطاب کرده‌اند و هرگاه توصیه‌ها و سخنان ارشادی و اعتقادی به فرد مردم داشته‌اند یا مردم به صورت فرد فرد بوده‌اند و کار جمعی و مشارکتی انجام نمی‌داده‌اند، مانند زمان رژیم پهلوی، ایشان همان خطاب «مردم»، «مردم عزیز» و «برادران من» و مانند اینها را به کار برده‌اند.

به عبارت دیگر، سخنان امام خمینی پیش از انقلاب اسلامی که هنوز بارقه‌های اولیه انقلاب در سخنانشان مشهود است و درصدد آگاهی‌بخشی به مردم بوده‌اند یا در کتاب‌های اخلاقی خود، مردم را با همان واژه «مردم» و به مفهوم افرادی به کار برده‌اند که به صورت تنها و فرد فرد هستند، ولی زمانی که مردم به سطحی از آگاهی و بیداری رسیده‌اند و جریان انقلاب در حال شکل‌گیری است و نیز پس از انقلاب اسلامی که مردم در سطح کشوری و ملی اقدامات مبارزاتی خود را انجام می‌دادند، ایشان مردم را با واژه «ملت» خطاب کرده‌اند که به مفهوم جمع و کل و کار گروهی و جمعی افراد است. در نظر امام خمینی، کار جمعی و خواسته ملت به عنوان اراده‌ای عمومی و جمعی، ملاک و معیار و میزان است و بر اساس خواسته و نظر و رأی ملت باید تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور صورت گیرد. بر همین مبناست که ایشان می‌فرماید: «میزان، رأی ملت است» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۷، ص ۱۲۲، ۱۳۵۸/۰۳/۲۵).

ایشان در تفسیر سوره حمد به دلیل اینکه بحث اعتقادی شخصی است، از واژه «مردم» بهره می‌برند و آنان را به چند گروه تقسیم می‌کنند:

یک دسته مردم این‌طورند؛ عبادت برای بهشت اصلاً مطرح نیست. پیش آن کسی که از خودش گذشته و خارج شده از این بیت و به مرتبه موت رسیده، پیش او، لذات چیزی نیست، بهشت اصلاً مطرح نیست. (همو، ۱۳۷۵، ص ۱۲۸).

ایشان مردم را نیز از نظر اعتقادی و کسب کمالات، دو طبقه می‌کنند:

اشاره به دو طایفه از مردم باشد که یکی اصحاب سعادت و کمالات و دیگر ارباب شقاوت و نقایص هستند و تضاد ما بین این دو طایفه نیز ذاتی و مشهود است (همو، ۱۳۷۷، ص ۶۵).

همچنین امام خمینی در سخن با عموم مردم، بدون جهت‌گیری سیاسی، از واژه

«مردم» استفاده کرده‌اند. برای نمونه ایشان می‌فرماید:

ایران کشوری مستقل است و دارای سیاستی مستقل. دست شرق و غرب را از وطن خود کوتاه می‌کنیم. تمام وابستگی‌های سیاسی را از بین می‌بریم و مردم را بر سرنوشتشان حاکم می‌گردانیم و مردم را که بیش از پنجاه سال است از همه‌گونه حقی در ایران محروم بوده‌اند، آزاد می‌گردانیم تا با کمال آزادی به خواسته‌های مشروع خود برسند (همو، ۱۳۶۱، ج ۲۲، ص ۱۶۹، ۱۳۵۷/۱۰/۲۵).

نیز ایشان درباره چگونگی وقوع انقلاب می‌فرماید: «در این مدت کم‌کم مردم بیدار شدند و از یک سال و نیم قبل به این طرف، این آگاهی به اوج خود رسید و منتهی به این مسائل شد» (همان، ۱۷۴، ص ۱۳۵۷/۱۰/۲۶).

همان‌گونه که از فرمایش ایشان برمی‌آید، امام مردم را پیش از بیداری و آگاهی سیاسی و در فرایند جریان سیاسی قرار گرفتن، «مردم» خطاب می‌کند.

به این ترتیب، امام خمینی هر جا مردم را به کار یا عمل سیاسی سفارش می‌کنند یا حرکت سیاسی مردم را مورد خطاب قرار می‌دهند، واژه «ملت» را به کار می‌برند؛ اموری مانند حرکت انقلابی و قیام مردم در جریان پیروزی انقلاب اسلامی و شرکت در انتخابات و فرایند حکومت‌سازی نظام و نقش آنان در نظام و مهم‌تر از همه، حمایت و پشتیبانی مردم از نظام و دولت و مسئولان و نهادهای سیاسی کشور. برای نمونه، ایشان درباره حمایت مردم از قوای انتظامی می‌فرماید: «قوای انتظامی ما امروز از ما هستند و باید ملت از آنها پشتیبانی کند» (همان، ۲۴۳، ص ۱۳۵۸/۰۴/۱۹).

قوای انتظامی، ارتش، ژاندارمری، شهربانی در آغوش ملت‌اند؛ ملت از آنهاست و آنها از ملت. آنها با صداقت خدمت به ایران و خدمت به اسلام و خدمت به جمهوری اسلامی و خدمت به ملت می‌کنند و ملت با صداقت از آنها پشتیبانی می‌کند (همان، ص ۲۴۲، ۱۳۵۸/۰۴/۱۹).

#### و همچنین:

ملت ما بیدار است و هشیار است و هشیار شد. بچه‌های کوچک ما هم الان بیدار شده‌اند و یک همچو ملتی را اگر چنانچه اتکا به خدا بکنند، کسی نمی‌تواند شکست بدهد؛ چنانچه نتوانستند (همان، ص ۱۹۷، ۱۳۵۷/۱۲/۰۵).

در جایی دیگر، امام خمینی بر اساس شأن حکومتی که مردم در نظام سیاسی دارند و نیز وظیفه حفظ نظام و استقلال آن و حمایت و پشتیبانی از نظام، واژه «ملت» را به جای «مردم» به کار می‌برند:

دولتی که متکی بر ملت باشد، ارتشی که متکی بر ملت باشد، می‌تواند استقلال خودش را





حفظ کند، می‌تواند در مقابل اجانب قیام کند. چنانچه دیدید و دیدیم که ملت بزرگ ما با همراهی ارتش که به دامن ملت برگشت، بر قوای شیطانی غلبه کرد و نتوانستند قوای شیطانی حفظ آن رژیم سابق را بکنند و نخواهند توانست که امثال آن رژیم‌ها را برگردانند. امروز ملت ما و دولت و ارتش یک هستند، همه با هم برای مصالح اسلام و برای مصالح کشور قیام می‌کنند (همان، ص ۲۴۲، ۱۳۵۸/۰۴/۱۹).

ایشان دو عامل اصلی را در پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم شاهنشاهی، کمک خدا و نیروی اراده و ایمان ملت می‌دانند و می‌فرمایند:

خدا بود که اینها را مؤید کرد و قدرت خدا و قدرت ایمان ملت که در این اواخر شکوفا پیدا کرد، این قدرت بود که با دست خدا یک سلطنت ۲۵۰۰ ساله را از ریشه کند. ... تمام ابرقدرت‌ها پشت سر او (رژیم شاهنشاهی) ایستاده بودند و آن هم دارای همه سلاح‌های مدرن بود و ملت ما دست خالی بود، تفنگ هم نداشت هیچ نداشت، لکن قدرت ایمان بود، قدرت خدا بود. این تعجب ندارد، خدای تبارک و تعالی مقدر بفرماید که یک ملتی که هیچ ندارد، هیچ سلاحی ندارد، همین سلاح ایمان دارد بر همه قدرت‌ها غلبه بکند (همان، ص ۱۹۴، ۱۳۵۷/۱۲/۰۵).

وقتی مردم در طی یک جریان سیاسی برای یک رویداد سیاسی بزرگ و آن انقلاب و عوض کردن رژیم قرار گرفته‌اند، امام آنها را «ملت» خطاب می‌کند.

امام خمینی رکن اساسی حکومت و نظام اسلامی را مبتنی بودن بر تشریح الهی و اراده و خواست مردم می‌دانند. ایشان با پشتیبانی از شرع و پذیرش مردمی، اقدام به تعیین نخست‌وزیر کردند: «ما به واسطه ولایت شرعی و به واسطه اینکه ملت به ما رأی داده است، ما شما را نخست‌وزیر می‌کنیم» (همان، ص ۱۹۵، ۱۳۵۷/۱۲/۰۵).

در اینجا نیز امام خمینی مردم را «ملت» خطاب می‌کنند؛ چون آنها را در شأن سیاسی خود لحاظ کرده و آن، رأی دادشان و شرکت در مهم‌ترین صحنه سیاسی - اجتماعی، یعنی انتخابات است. ایشان حتی در یکی از سخنان خود به جای کاربرد مفهوم مردم و رأی مردم، از واژه افکار عمومی و آرای عمومی استفاده می‌کنند که به اکثریت مردم و نظر و رأی اکثریت اشاره دارد:

فشار افکار عمومی همان قانون است. سلطنت در ایران، به آرای مردم به خیال آنها آمده است و حال آنکه از اول هم نیامده بود. قانون ما این است که سلطنت باید به آرای عمومی مستقر بشود و الان آرای عمومی خلع کرده است او را، بلکه مکرر اعلام خلع او را کرده.

بنابراین، ما همان فشار افکار عمومی که قانون واقعاً همان است، باید قدرت را به دست بگیریم و حکومت را مستقر کنیم (همان، ص ۱۷۶، ۱۳۵۷/۱۰/۲۹).

رهبر انقلاب اسلامی در یکی از سخنان خود، مردم را قبل از عمل و فعل سیاسی، «مردم» خطاب می‌کنند و می‌فرمایند که خواسته مردم ایران، سرنگونی رژیم استبدادی شاهنشاهی است و در جایی که اشاره به عمل سیاسی می‌کنند، یعنی نماینده به مجلس فرستادن، مردم را «ملت» خطاب می‌نمایند. ایشان می‌فرماید:

مقاومت مردم ایران در دنیا بی‌نظیر است. مردم ایران برای از بین بردن استبداد جهانی چنان دلاورانه مبارزه کردند که موجب حیرت غرب و شرق شد؛ مبارزات خونینی که بالاخره به استقلال و آزادی منجر خواهد شد. مردم ایران خواستار برچیده شدن سلطنت دودمان پهلوی و نظام شاهنشاهی و ایجاد یک جمهوری اسلامی هستند. دولت اخیر به هیچ‌وجه قانونیت ندارد؛ چون از مجلسی رأی اعتماد می‌گیرد که هرگز ملت ایران در آن نماینده ندارد. من بارها گفته‌ام که هر حکومتی با بودن شاه محکوم است (همان، ص ۱۶۸، ۱۳۵۷/۱۰/۲۰).

در جایی دیگر، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی افزون بر اینکه مردم را «ملت» خطاب می‌کند و معتقدند باید سرنوشت خود و کشور را تعیین کنند، همچنین بر این باورند که مشروعیت حکومت به انتصابش به خدا و مردمی بودن است. ایشان این اصل مردمی بودن را اصلی اسلامی و برگرفته از تشریح می‌دانند:

اگر ملت ایران علیه تسلط اجانب مبارزه می‌کند، باز هم از اسلام دستور می‌گیرد؛ زیرا مردم مسلمان حق ندارند که غیرمسلمین را در امور خود دخالت بدهند که مسلط بر سرنوشت آنان شوند و واجب است که با این تسلط، مبارزه اسلامی کنند تا جامعه استقلال خود را به دست بیاورد و نسبت به تجربه‌های عمر خود، ما می‌بینیم که رضاخان که هیچ‌گونه صلاحیت حکومت را نداشت، به زور اجانب و برخلاف میل ملت، بر مردم ایران تحمیل شد و با روی کار آمدن رضاخان، این سه اصل اسلامی در امر حکومت پایمال شده: اول، اصل لزوم عدالت در حاکم اسلامی و دوم، اصل آزادی مسلمین در رأی به حاکم و تعیین سرنوشت خود و سوم، اصل استقلال کشور اسلامی از دخالت اجانب و تسلط آنها بر مقدرات مسلمین (همان، ص ۱۵۰، ۱۳۵۷/۰۹/۲۴).

در جای دیگر، ایشان برای تشکر از قیام ملت که عملی سیاسی بوده است، مردم را «ملت» خطاب کرده، می‌فرماید:





من باید تشکر کنم از این ملت که همچو حس اعانت در آنها پیدا شده است؛ حس تعاون پیدا شده است که خودشان بدون انتظار از اینکه قوه‌های دیگری به آنها کمک کند، خودشان قیام کردند و در همه مسائل با قدرت پیش رفتند (همان، ص ۲۶۸، ۱۳۵۸/۰۵/۱۹).  
اما در ادامه، خطاب به مردم ایران برای آبادانی کشور و آگاهی از توطئه‌ها می‌فرماید:  
برادران من، ایران امروز مال شماست. دست‌های اجانب از آن کوتاه و توطئه‌گرها به واسطه همین قیام شما و به واسطه کوتاه شدن دست اجانب در توطئه هستند (همان).  
ایشان در پاسخ پرسش‌کننده‌ای درباره ارتباط با دیگر کشورها می‌فرماید:

این مسلم است که ما رابطه‌ای را که به ضرر ملتمان باشد، به هیچ‌وجه نمی‌پذیریم، ولی در غیراین صورت، ارتباط تجاری و سایر ارتباطات مادامی که به نفع ملت ما باشد، به نظر من مانعی ندارد و عقد چنین قراردادهایی با دولت است و به من مربوط نیست (همان، ص ۲۶۴، ۱۳۵۸/۰۹/۰۹).

در اینجا چون مردم نقش یک رکن و عنصر حکومتی را دارند، با واژه «ملت» خطاب شده‌اند. رهبر انقلاب اسلامی، در غائله کردستان می‌فرماید که مشکلات دولت را «ملت» حل خواهد کرد و اگر همه کشورهای اسلامی حمایت و پشتیبانی «ملت» را داشتند، مشکلاتشان برطرف می‌شد و مستقل می‌شدند:

الان دولت ما به اعتبار اینکه دولت اسلامی است و بنای اینکه به ملت ستم نکند ندارد، مشکلات او را ملت رفع می‌کند. شما دیدید که یک مشکل بزرگی برای ما در کردستان پیدا شد و به مجرد اینکه اعلام شد که یک همچو مشکلی است، از تمام ایران ملت پشتیبانی کردند و بنای حرکت به طرف کردستان برای رفع غائله داشتند که ما به واسطه اینکه به زحمت نیفتند و مطمئن بودیم که قوای انتظامی می‌تواند حل بکند، از آنها خواهش کردیم که صبر داشته باشند و من می‌دانم که هر روزی که برای ما مشکلی پیدا بشود، ملت ما در رفع آن کوشش خواهند کرد و اعلام موافقتشان را با ما کرده‌اند (همان، ص ۲۴۹، ۱۳۵۸/۰۶/۲۴).

بنابراین، ایشان حرکت مردم را برای برطرف کردن غائله کردستان، حرکتی سیاسی از سوی آنها می‌دانند و در فرمایش خود، از واژه «ملت» استفاده می‌کنند. امام خمینی در سخنرانی خود، دو مشکل اصلی دولت‌های اسلامی را برمی‌شمرد؛ یکی عدم اتحاد دولت‌های اسلامی با یکدیگر و دیگری، عدم همراهی و پشتیبانی ملت‌ها از دولت‌ها. اینجا نیز ایشان مردم را به‌عنوان یکی از عناصر اصلی کشور که در حل مشکلات کشور و



نظام با همراهی و اتحاد و پشتیبانی خود اثرگذار هستند، «ملت» خطاب می‌کنند (نک: همان، ص ۲۴۸، ۱۳۵۸/۰۶/۲۴). ایشان انقلاب اسلامی را نتیجه تحول روحی مردم در جهت اجتماعی و نعمت و هدیه‌ای از طرف خدا به ملت ایران می‌دانند و می‌فرمایند:

این تحول روحی باعث شد که این پیروزی از برای ملت ما حاصل شد. دعا کنید که خداوند این تحول را در همه ملت‌های اسلام و مستضعفین پیش بیاورد و خدای تبارک و تعالی مقدر می‌فرماید که همه متحول بشویم. این تحول روحی و این انقلاب اسلامی تحفه‌ای است که خدای تبارک و تعالی از عالم بالا برای ملت ما به هدیه فرستاد و ما باید شکر خدای تبارک و تعالی را بکنیم و از عهده شکر بر نمی‌آییم (همان، ص ۱۹۴، ۱۳۵۷/۱۲/۰۵).

در پایان لازم است برخی استثناها را هم یادآور شویم. امام خمینی گاه افرادی را که در کار جمعی اجتماعی یا سیاسی بوده‌اند، «مردم» خطاب کرده‌اند که در کدگذاری انتخابی ما این سندها نیز در تم «ملت» قرار گرفته‌اند. برای نمونه، امام خمینی می‌فرماید:

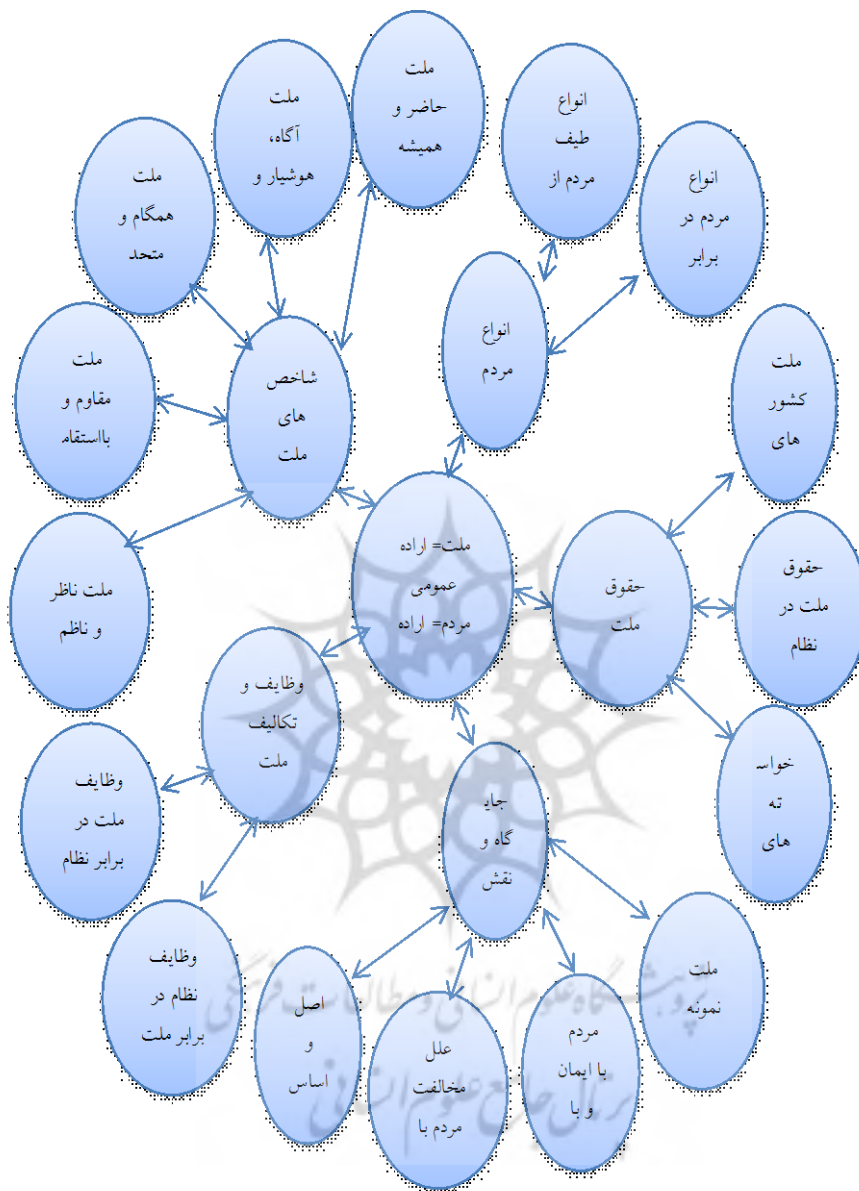
حاکم اسلام، حاکمی است که در بین مردم، در همان مسجد کوچک مدینه می‌آمد جلوس می‌کرد و آنهایی که مقدرات مملکت دستشان بود، مثل سایر طبقات مردم، در مسجد اجتماع می‌کردند و طوری بود اجتماعشان که کسی که از خارج می‌آمد، نمی‌فهمید که کی رئیس مملکت است و کی صاحب منصب است و کی از فقر است (همان، ص ۱۴۱، ۱۳۵۷/۰۸/۱۸).

یا:

فشار افکار عمومی همان قانون است. سلطنت در ایران به آرای مردم به خیال آنها آمده است و حال آن که از اول هم نیامده بود. قانون ما این است که سلطنت باید به آرای عمومی مستقر بشود (همان، ص ۱۷۶، ۱۳۵۷/۱۰/۲۹).

شبکه مضامین پژوهش در ماتریس زیر نمایش داده شده است:





در ادامه، با توجه به اهمیت رأی و نظر ملت در نظام اسلامی، به سه تم اصلی به دست آمده در شبکه مضامین، یعنی حق ملت، جایگاه و نقش ملت و شاخص‌های ملت در نظام اسلامی به صورت تفصیلی‌تر می‌پردازیم.

## ب) حق ملت در نظام اسلامی

به نظر امام خمینی هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است و هم قدرتمند و کارساز. از این رو، ایشان به نقش مردم در نظام اعتقاد راسخ و صادقانه دارند و برای ملت نقش و جایگاه والایی قائل هستند؛ به گونه‌ای که خود و مسئولان و کارگزاران نظام را خدمت‌گزار مردم معرفی می‌کنند و بالاتر آنکه، ایشان مشروعیت نظام را وابسته به رأی و نظر مردم می‌دانند.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، پایه‌گذار مردم‌سالاری دینی در عصر جدید هستند و بر این باورند که مردم‌سالاری واقعی تنها در اسلام متجلی می‌شود و در آموزه‌های دینی و سیره و سنت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام سرچشمه دارد (نک: کواکبان، ۱۳۸۹). در واقع، ایشان بر اساس مبانی حکومت در اسلام، مُدل جدیدی از حکومت دینی به نام «حکومت ولایت فقیه» را نظریه‌پردازی و پایه‌گذاری کردند که با وجود مبنا بودن ولی فقیه در آن، نظر و آرای مردم، حتی در انتخاب نوع حکومت نافذ است. ایشان درباره مهم بودن نظر مردم می‌فرماید:

ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هرطور رأی داد، ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم. خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۰، ص ۱۸۱، ۱۳۵۸/۰۸/۱۹).

بنابراین، اسلام این حق نظر دادن مردم را قرار داده است و حکومت دینی نیز برای مشروعیت خود ناچار به رأی و نظر ملت است. امام با اعتقاد راسخ به اصل ولایت و آگاهی از حدود و اختیارات آن، شرط تشکیل حکومت ولایی را ولایتمداری مسلمین می‌داند (نک: همان، ج ۲۰، ص ۴۵۹). در واقع، جمع بین ولایت شرعی و رأی ملت، نقطه اوج نظریه ولایت فقیه امام خمینی است.

حال با توجه به یافته‌های پژوهش مشخص می‌شود زمانی که امام خمینی می‌فرماید: «میزان رأی ملت است» (همان، ج ۷، ص ۱۲۲، ۱۳۵۸/۰۳/۲۵)، منظور ایشان افراد به‌مثابه کل و به‌صورت جمعی و مشارکتی است، نه فرد فرد افراد به‌صورت تنها. مردمی که به آگاهی سیاسی، بیداری، بصیرت و بینش اجتماعی رسیده‌اند و با قرار گرفتن در یک فرایند سیاسی و اجتماعی، اقدام به عمل مشارکتی و جمعی می‌کنند، رأی و نظر چنین ملتی برای نظام





اسلامی، میزان است. البته با توجه مشروعیت دوگانه اسلامی - مردمی نظام اسلامی، میزان بودن رأی مردم، مطلق نیست، بلکه اعتبار رأی ایشان تا زمانی است که با مبانی شرع مخالفتی نداشته باشد. به این ترتیب، در نظریه امام خمینی با رهیافتی واقع‌گرایانه، عقلانیت اسلامی و انسانی حاکم است، حکومت و نظام سیاسی متکی به آرای ملت است و همه شهروندان حق دارند سرنوشت خویش را انتخاب کنند.

### ج) جایگاه و نقش ملت در نظام اسلامی

بررسی جایگاه و نقش مردم از دیدگاه امام نشان می‌دهد ایشان برای افراد به‌مثابه کل، ارزش و احترام خاصی قائل است و چنین افرادی را «ملت» می‌نامد که دارای نیروی لایزالی هستند و می‌توانند سرنوشت خود را رقم بزنند و این حق تعیین سرنوشت ملت، سلب‌ناشدنی و انکارناپذیر است:

از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد (همان، ج ۳، ص ۴۲، ۱۳۵۷/۰۸/۱۶).

بنابراین، ایشان مشروعیت دینی را از مشروعیت سیاسی جدا نمی‌بیند و حفظ مردم را عظیم‌ترین پشتوانه و سرمایه برای یک نظام اسلامی برمی‌شمارد.

با توجه به مطالب بالا، روشن شد که نقش ملت در حکومت اسلامی، تنها نقش آفریننده و ایجادکننده است، نه نقش ارزش‌دهنده و تعیین‌کننده عدل و شایستگی؛ زیرا با توجه به اینکه نظام اسلامی بر مبنای قوانین الهی و شرعی است، پس مشروعیت و ارزش خود را از این نظر به‌دست می‌آورد (نک: اراکی، ۱۳۸۹). بنابراین، دیدگاه امام خمینی، اعتبار رأی مردم در چارچوب قوانین اسلامی است:

حکومت اسلامی، یعنی یک حکومت مبتنی بر عدل و دموکراسی و متکی بر قواعد و قوانین اسلام (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۲۶۸، ۱۳۵۷/۰۹/۰۶).

به این ترتیب، در نظام سیاسی اسلامی، ملت، نقش و جایگاه منبع قدرت دارد و حکم خداوند، منبع مشروعیت است. به عبارت دیگر، امام خمینی معتقدند مشروعیت نظام اسلامی، مبنای الهی - مردمی دارد (نک: محمدی، ۱۳۸۰). برای نمونه، ایشان می‌فرماید:

ملتی که جوان و جان می‌دهد تا از زیر بار ستمکاران غارتگر بیرون بیاید و رژیم سلطنتی را سرنگون و حکومت جمهوری اسلامی متکی به آرای ملت را مستقر کند (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۴۳، ۱۳۵۷/۰۸/۱۶).

ما دولت را تعیین کردیم؛ هم به‌حسب قانون ما حق داریم و هم به‌حسب شرع حق داریم. ما به‌حسب ولایت شرعی که داریم و به‌حسب آرای ملت که ما را قبول کرده است، آقای ... را مأمور کردیم که دولت تشکیل بدهد (همان، ج ۵، ص ۳۴، ۱۳۵۷/۱۱/۱۶).

#### د) شاخص‌ها و ویژگی‌های ملت در نظام اسلامی

با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان چهار شاخص اصلی و مهم را برای ملت برشمرد که به‌طور خلاصه در ادامه بیان می‌شود.

#### یک - ملت آگاه، هوشیار و با بصیرت

امام خمینی اولین و مهم‌ترین شاخص «ملت» را در یک نظام سیاسی، آگاهی، هوشیاری و بصیرت داشتن آنان می‌داند و این شاخص را بسیار ضروری و مهم برمی‌شمارد؛ به‌طوری‌که ایشان پیش از آنکه به هدایت و نمایندگی مردم اعتقاد داشته باشند و به آن بپردازند، به ارشاد، تعلیم و دادن آگاهی و بصیرت به مردم معتقد بودند تا خود بتوانند حرکت کنند، مشارکت سیاسی ورزند، نظارت و پیگیری کنند و با حکومت همگامی داشته باشند (جمشیدی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۳-۱۹۴). در واقع، اگر «ملت» آگاه، هوشیار و با بصیرت باشند، بقیه راه‌ها و کارها را خود با دارا بودن قوه عقل و اختیار خواهند پیمود، ولی اگر به آگاهی نرسند و بصیرت نداشته باشند، طی راه برای آنها مشکل یا شاید ناممکن خواهد شد؛ زیرا حرکت در درون تاریکی برای آنها مقدور نیست، بلکه باید نوری بتابد تا جلو پای خود را ببینند و بتوانند به پیش حرکت کنند (همان).

بنابراین، رهبر کبیر انقلاب اسلامی همواره مردم را به داشتن آگاهی، هشیاری و بصیرت دعوت می‌کردند؛ زیرا بر این باور بودند که اگر مردم آگاه و با بصیرت باشند، امنیت جامعه و نظام سیاسی حفظ و آرامش و نظم حکم‌فرما خواهد شد (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۲۵۹، ۱۳۵۷/۰۸/۱۰ و ج ۵، ص ۶۹، ۱۳۵۷/۱۱/۲۱)؛ چراکه انسان آگاه و با بصیرت، صلاح و فساد خود را به‌وسیله بصیرت می‌فهمد (همان، ج ۱۶، ص ۸۷، ۱۳۶۱/۰۱/۰۱) و همواره با چشمانی باز و بیدار به دشمنان می‌نگرد و مراقب است دستخوش توطئه‌ها، فریب‌ها و حيله‌های دشمنان نشود (همان، ج ۲۱، ص ۱۰۹، ۱۳۶۸/۰۱/۰۲) و با هوشیاری کامل جواب همه فتنه‌ها را می‌دهد (همان، ج ۲۰، ص ۲۴۱، ۱۳۶۷/۰۴/۲۹). چنین انسان با بصیرتی همیشه پشتیبان دولت، مجلس و دیگر ارگان‌های نظام سیاسی است (همان، ج ۱۵، ص ۱۳۵، ۱۳۶۰/۰۶/۱۷) و با هوشیاری و بیداری خود به‌کلی از تفرقه‌ها پرهیز می‌کند؛ چراکه با بصیرت خویش می‌داند تفرقه سبب می‌شود کشورش نتواند به رشدی که باید برسد و





شایسته آن است، دست یابد (همان، ج ۱۱، ص ۲۲۲، ۱۳۵۸/۱۰/۱۷).

امام خمینی با تأکید بر هوشیاری ملت و مردم در برابر آشوبگری، شایعه‌سازی، دروغ‌پراکنی و دسیسه‌سازی دشمنان و جلوگیری از توطئه‌های آنان می‌فرماید:

از این به بعد شما بیدار باشید، هوشیار باشید، نگذارید اینها در بین صفوف شما رخنه کنند و نگذارند شما به مقصد خودتان برسید... اینها دلسوز ملت نیستند، اینها عمال اجانب هستند که با صورت‌های فریبنده در بین اقشار ملت به راه افتادند و نمی‌گذارند ایران یک آرامشی پیدا بکند تا اینکه برای همه اقشار زندگی مرفه تهیه شود... شما ملت مأمورید که با هوشیاری جلو این تفرقه‌ها را بگیرید (همان، ج ۶، ص ۴۳، ۱۳۵۸/۱۰/۳۰).

بنابراین، آگاهی و بیداری و بابصیرت بودن ویژگی و شاخص ضروری یک «ملت» است.

### دو- ملت حاضر و همیشه در صحنه

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، به مشارکت ملت و حضور آنها در صحنه‌های گوناگون کشور، به‌ویژه عرصه سیاست تأکید بسیاری کرده‌اند؛ زیرا مشارکت سیاسی ملت، در سرنوشت و آینده نظام سیاسی تأثیر بسیاری دارد. یکی از سطوح و عرصه‌های مهم مشارکت سیاسی، شرکت مردم جامعه در انتخابات است.

ایشان مشارکت مردم را بزرگ‌ترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه می‌دانند (همان، ج ۲، ص ۲۵۹، ۱۳۵۷/۰۸/۱۰) و معتقدند تأمین استقلال نظام سیاسی و آزادی ملت‌ها و نیز اصلاحات در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر اساس معیارهای اسلامی، با مشارکت کامل همه مردم صورت خواهد گرفت (همان، ج ۴، ص ۶، ۱۳۵۷/۰۹/۱۱). همچنین به نظر ایشان، با مشارکت همه قشرها می‌توان بر طاعوت زمان غلبه کرد و پشت ابرقدرت‌ها را لرزاند (همان، ج ۵، ص ۲۷۴، ۱۳۵۸/۱۰/۲۰).

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در سخنان خود بارها مشارکت و حضور در انتخابات را وظیفه‌ای برعهده خود و ملت می‌دانند و بر حضور مردم در همه انتخابات تأکید می‌کنند. ایشان در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود می‌فرمایند:

وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخابات رئیس‌جمهور و چه انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می‌کنند، روی ضوابطی باشد که اعتبار می‌شود (همو، ۱۳۷۸، ص ۳۵).

به نظر ایشان، شرکت در انتخابات یک تکلیف و وظیفه الهی است و مردم باید به نیت عمل به این وظیفه دینی و الهی پای صندوق‌های رأی حاضر شوند. بنابراین، ترک حضور در انتخابات و عدم مشارکت در صحنه‌های مهم سیاسی، ترک وظیفه‌ای دینی است و باید در این باره پاسخ‌گو بود؛ چراکه مشارکت مردم و حضورشان در انتخابات و رأی آنها به منزله مشارکت در یک تحول سیاسی و حاکمیتی نظام سیاسی و نیز تعیین سرنوشت و آینده کشور است. به یقین خداوندی که انسان را از ریزترین مسائل مورد بازخواست قرار می‌دهد، درباره این تصمیم مهم و مشارکت سرنوشت‌ساز نیز سؤال و بازخواست خواهد کرد: «فمن يعمل مثقال ذره خيراً يره و من يعمل مثقال ذره شراً يره» (زلزال: ۷-۸).

سه - ملت ناظر و ناظم

امام خمینی در مقام رهبر جمهوری اسلامی، برای ملت در نظام سیاسی، حق نظارت، خواستن و پیگیری کردن قائل هستند و این شاخص را جزء شروط لازم ملت در نظام سیاسی پیشرفته دانسته‌اند. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران معتقد است ملت و قشرهای مختلف، افزون بر داشتن بصیرت و آگاهی و حضور فعال در صحنه‌های سیاسی گوناگون جامعه و مشارکت سیاسی در تعیین آینده و سرنوشت کشورشان، باید بر عملکرد دولتمردان و مسئولان امر نیز نظارت کنند تا بتوان نظام پیشرفته‌ای داشت. ایشان در این باره می‌فرماید:

اگر مردم بخواهند جمهوری اسلامی را حفظ کنند، باید مواظب باشند که رئیس‌جمهور و وزرا و نمایندگان مجلس انحراف پیدا نکنند از حیث قدرت‌طلبی و مال‌طلبی. اگر رئیس‌جمهوری بخواهد قدرتمندی نشان دهد، آن روز بدانند علامت این است که شکست بخوریم. لذا خود مردم باید جلوشان را بگیرند (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۶، ص ۳۲).

به نظر امام خمینی، مردم باید در همه امور و شئون کشور نظارت کنند و این امر، یک تکلیف شرعی الهی و تعهد ملی است و بر همه مردم واجب است و متخلف از آن، مخالف خداوند متعال و اوامر او و خائن به کشور و نظام سیاسی اسلامی شمرده می‌شود (همان، ج ۵، ص ۷۳، ۱۳۵۷/۱۱/۲۳ و ج ۱۵، ص ۶۰، ۱۳۶۰/۰۴/۱۰ و ص ۹۱، ۱۳۶۰/۰۵/۱۹). علت تأکید ایشان بر نظارت عمومی مردم این است که دشمنان و شیاطین نتوانند در کشور رخنه کنند و امنیت کشور به خطر نیفتد (همان، ج ۴، ص ۲۶۴، ۱۳۵۷/۱۱/۰۴). در واقع، با نظارت مردم بر کارهای مسئولان و دست‌اندرکاران کشور، رعایت قوانین از سوی آنها بهتر و دقیق‌تر صورت خواهد گرفت (نک: همان) و در این صورت، هم امنیت کشور و هم منافع عمومی





ملت حفظ می‌شود و نیز نظام سیاسی به معنای واقعی مترقی خواهد شد (همان، ج ۲، ص ۲۵۹، ۱۳۵۷/۰۸/۱۰ و ج ۴، ص ۱۲۱، ۱۳۵۷/۱۰/۱۰ و ص ۲۶۴، ۱۳۵۷/۱۱/۰۴).

از دیدگاه رهبر کبیر انقلاب اسلامی، آثار و برکات نظارت مردم عبارت است از:

- اگر مسئول و مدیری اشتباه کرد، مردم با نظارت خود، با او مقابله می‌کنند و جلو اشتباه او را می‌گیرند و «اگر غلطی را گذاشتند، قدم اول را که برداشت، همین ملت عزلش می‌کنند» (همان، ج ۴، ص ۱۲۱، ۱۳۵۷/۱۰/۱۰).

- مردم بر روند انتخابات و صندوق‌ها و آرا نظارت می‌کنند تا در آن تخلفی صورت نگیرد و انتخابات سالم برگزار شود (همان، ص ۱۲۱-۱۲۲، ۱۳۵۷/۱۰/۱۰ و ص ۱۹۵، ۱۳۵۷/۱۰/۲۰).

- نظارت مردم سبب عدم نفوذ دشمنان در کشور می‌شود (همان، ص ۲۶۴، ۱۳۵۷/۱۱/۰۴).  
(۴) نظارت عمومی مردم سبب پیشرفت و ترقی نظام سیاسی و کشور اسلامی به معنای واقعی کلمه می‌گردد (نک: همان).

- با نظارت مردم، کشور اسلامی و نیز مسئولان و مدیران و کارگزاران اصلاح می‌شوند (همان، ص ۲۶۵، ۱۳۵۷/۱۱/۰۴).

- نظارت عمومی سبب حفظ بیت‌المال و هدر نرفتن اموال ملت می‌شود (همان، ج ۵، ص ۷۳، ۱۳۵۷/۱۱/۲۳).

- نظارت مردم بر مسئولان سبب حفظ اسلام و نظام اسلامی می‌شود؛ زیرا اگر مسئولان خلاف مقررات و قوانین اسلام عمل کنند، مردم با نظارت خودشان متوجه می‌شوند و جلو آنها را می‌گیرند (همان، ج ۷، ص ۳۴، ۱۳۵۸/۰۳/۰۹). همچنین اگر فرد یا افرادی از جامعه برخلاف اسلام عمل و علیه نظام اسلامی توطئه‌چینی کرد، با نظارت خودشان، این افراد را به مسئولان امر معرفی خواهند کرد تا جلو فساد جامعه اسلامی گرفته شود (همان، ج ۱۵، ص ۱۱۶، ۱۳۶۰/۰۶/۰۹).

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، بر این باور است که نظارت همه مردم و قشرها در امور کشور، معجزه و هدیه الهی است که خدای تبارک و تعالی به نظام سیاسی اسلامی عطا فرموده است و مسئولان و کارگزاران باید قدر این نعمت الهی را بدانند؛ زیرا این امر، ویژه نظام اسلامی است و در نظام‌های دیگر چنین چیزی وجود ندارد (همان، ج ۱۴، ص ۱۳۳، ۱۳۵۹/۱۲/۲۸).

به این ترتیب، می‌توان حوزه نظارت مردم را به چند بخش تقسیم کرد که عبارت‌اند از:



- نظارت مردم بر اسلامی بودن نظام سیاسی و زیربخش‌های آن؛
- نظارت مردم بر مسئولان، مدیران و کارگزاران نظام سیاسی؛
- نظارت مردم بر روند انتخابات و حضور در پای صندوق‌های رأی؛
- نظارت مردم بر کار اصناف و احزاب گوناگون در جامعه؛
- نظارت مردم بر خود.

### چه بار ملت همگام و متحد

امام خمینی شاخص همگامی و اتحاد ملت را که سبب پشتیبانی آنها از نظام اسلامی و اعتماد به مسئولان کشور است، یکی دیگر از شاخص‌های نظام سیاسی برمی‌شمارد. ایشان بر این باور است که اساس یک کشور با اتحاد و همگامی مردمش حفظ می‌شود (همان، ج ۱۷، ص ۹۸، ۱۱/۰۹/۱۳۶۱). علت اینکه دشمنان اسلام و بسیاری از قدرت‌ها با نظام سیاسی اسلامی مخالف هستند، اتحاد ملت و همگامی آنها با نظام سیاسی است؛ زیرا با اتحاد و همگامی مردم و اعتماد و پشتیبانی آنها از نظام سیاسی، هیچ‌گاه آن کشور شکست نمی‌خورد و تحت هیچ بیرقی قرار نمی‌گیرد، مگر زیر پرچم اسلام و نظام اسلامی و نیز هیچ قدرتی نمی‌تواند نفوذ کند (نک: همان). به نظر ایشان، اتحاد و همگامی و هم‌قدمی مردم با نظام سیاسی، یک نعمت و عنایت الهی و یک وظیفه است (همان، ج ۶، ص ۲۱۴، ۳۰/۰۲/۱۳۵۸ و ج ۲، ص ۲۹۶، ۱۳/۰۸/۱۳۵۷) که سبب پیروزی و سربلندی آن نظام و شکست دشمنان و ناامیدی آنها از نابودی آن نظام سیاسی الهی می‌شود؛ حتی اگر آن ملت هیچ چیزی نداشته باشند و دشمنان همه چیز داشته باشند (همان، ج ۱۸، ص ۱۱۴، ۲۹/۰۶/۱۳۶۲ و ص ۱۵۸، ۲۶/۰۴/۱۳۵۸). امام خمینی معتقدند حاکمیت قلوب میان دولت و ملت، اساس همگامی آنان در اداره امور کشور است. ایشان در این باره می‌فرمایند:

مسلمین اگر بخواهند موفق بشوند و از زیر تعهدهای اجانب و سلطه آنها بیرون بیایند، حکومت‌های آنها باید کوشش کنند که قلوب ملت خودشان را به دست بیاورند. حکومت بر قلوب، یک حکومت شیرین است؛ به خلاف حکومت بر ابدان که قلوب با آنها نباشد. ... اگر این چنین شد، در همه گرفتاری‌ها ملت کوشش می‌کند که هم‌قدم باشد با آنها و مقاصد دولت را به پیش ببرد (همان، ج ۱۴، ص ۱۱۷، ۱۲/۱۲/۱۳۵۹).

با توجه به نتایج تحقیق می‌توان دو شاخص دیگر نیز افزود؛ یعنی ملت مقاوم و بااستقامت و ملت باایمان و باخدا. به نظر امام خمینی انقلاب اسلامی به دست نیروی خروشان ملت و اراده و استقامت آنها به پیروزی رسید، نه قدرتمندان. اسلام راه به دست





آوردن قلوب مسلمین است و نیروی ایمان ملت و اتکال ملت به خداوند سبب پیروزی انقلاب اسلامی ایران شد و خدای متعال از آنها در راه مبارزه پشتیبانی کرد. به همین دلیل، انسان‌های باثبات و طمأنینه به‌منزله ملت واحد هستند و حزب ملت مسلمان، نیز به‌مثابه حزب الله و حزب اسلام است، ولی امام خمینی بیشتر روی این چهار شاخص بیان شده تأکید داشتند.

### نتیجه

دال مردم در اندیشه و کلام سیاسی امام خمینی، با توجه به روش تحلیل مضمون و به‌کارگیری نرم‌افزار مکس کیودا بررسی شد. بر اساس روش مقاله، ابتدا یک قالب مضامین دویست تمی با توجه به کتاب‌های امام خمینی و سخنان ایشان در نرم‌افزار یادشده ساخته شد و سپس با ربط تم‌های اولیه با توجه به محتوا و مضمون آنها، شبکه مضامینی از شانزده تم فرعی به‌دست آمد و در سطح ارتباطی بعدی، پنج تم اصلی و در نهایت، یک تم مرکزی دوبخشی برگزیده شد.

حال با توجه به یافته‌های پژوهش مشخص شد هرگاه افراد در فرایند و جریان سیاسی یا عمل سیاسی یا در هرم نظام و حکومت سیاسی اسلامی و یا در اجتماع و کار جمعی قرار گرفته‌اند، امام خمینی آنها را با واژه «ملت»، «ملت ایران»، «ملت مسلمان ایران» یا «ملت مسلمان» خطاب کرده‌اند و هرگاه توصیه‌ها و سخنان ارشادی و اعتقادی به فرد مردم داشته‌اند یا مردم به‌صورت فرد فرد بوده‌اند و کار جمعی و مشارکتی انجام نمی‌داده‌اند، مانند زمان رژیم پهلوی، ایشان همان خطاب «مردم»، «مردم عزیز»، «برادران من» و مانند اینها را به کار برده‌اند. در راستای همین مفصل‌بندی است که امام خمینی معتقد است: «میزان رأی ملت است». البته با توجه به مشروعیت دوگانه اسلامی مردمی نظام اسلامی، میزان بودن رأی ملت، مطلق نیست، بلکه اعتبار رأی ملت تا زمانی است که با مبانی شرع مخالفتی نداشته باشد. به این ترتیب، در نظریه امام خمینی با رهیافتی واقع‌گرایانه، عقلانیت اسلامی و انسانی حاکم است، حکومت و نظام سیاسی متکی به آرای ملت است و همه شهروندان حق دارند سرنوشت خویش را برگزینند و بر کار مسئولان نظارت کنند.

## منابع

- قرآن کریم.
- اراکی، محسن (۱۳۸۹)، «جایگاه مردم در نظام حکومتی اسلام»، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۶، ۱۳۸۹/۱۱/۲۷.
- امام خمینی (۱۳۷۵)، تفسیر سوره حمد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹)، شئون و اختیارات ولی فقیه، ترجمه مباحث ولایت فقیه از کتاب البیع، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳)، شرح چهل حدیث، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸)، صحیفه انقلاب: وصیت‌نامه سیاسی و الهی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی، قم: روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۱)، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، تهیه و جمع‌آوری مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: شرکت سهامی عام.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
- بابایی زارچ، علی محمد (۱۳۸۳)، امت و ملت در اندیشه امام خمینی، قم: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۵)، اندیشه سیاسی امام خمینی، قم: پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸)، «ویژگی‌های حکومت مطلوب از منظر امام خمینی»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال ۴، شماره ۴.
- جعفری، قاسم (۱۳۸۷)، مبانی فقهی نظارت شهروندان بر حاکمان با تأکید بر نظر امام خمینی، قم: پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- سایت مکس کیودا. <http://maxqda.ir>
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (دی ۱۳۷۵)، «کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۸، شماره ۸.





- عابدی جعفری، حسن و دیگران (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال ۵، شماره ۲ (پیاپی ۱۰).
- فوزی تویسرکانی، یحیی (۱۳۸۳)، *امام خمینی و هویت ملی*، قم: پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کواکبیان، مصطفی (۱۳۸۹)، «دموکراسی متدینان یا مردم سالاری دینی»، *فصلنامه بازتاب اندیشه*، شماره ۲۲، ۱۳۸۹/۰۵/۲۵.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۰)، «مردم سالاری دینی، جمهوری اسلامی»، *فصلنامه حقوق دانشگاه تهران*، شماره ۵۴، ۱۳۸۰/۰۹/۰۱.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۹)، *جایگاه مردم در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی*، قم: معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- معاونت پژوهش های حقوقی (۱۳۷۹)، *نقش مردم در حکومت دینی از دیدگاه امام خمینی*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- مقیمی، غلامحسین (۱۳۸۶)، «امام خمینی: ولایت فقیهان و مشارکت مردم»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۵، ۱۳۸۶/۱۱/۱۶.
- موسویان، سید ابوالفضل (۱۳۸۷)، «نقش و جایگاه مردم در اندیشه سیاسی اسلام و امام خمینی»، *نامه مفید*، شماره ۲۰.
- Braun, Virginia & Victoria Clarke (2006), "Using Thematic Analysis in Psychology", *Qualitative Research in Psychology*, 3: 2, pp.77-101.
- Boyatzis, Richard E. (1998), *Transforming Qualitative Information: Thematic Analysis and Code Development*, USA: Case Western Reserve University, Case Western Reserve University.